

نقش دانشجویان در تحولات سیاسی و اجتماعی

از دیدگاه امام خمینی (ره)

رضا دژاکام^۱

چکیده

در این مقاله نظریه‌های موجود در خصوص نقش سیاسی و اجتماعی دانشجویان در جامعه، تشریح و دیدگاه‌ها و نظریات حضرت امام خمینی (ره) در قبل و بعد از انقلاب اسلامی در خصوص دانشگاه و نقش سیاسی - اجتماعی دانشجویان در جامعه و همچنین جایگاه دانشجویان در رابطه با عامه‌ی مردم بررسی شده است.

واژگان کلیدی

امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، دانشجویان، فعالیت‌های سیاسی، فعالیت‌های اجتماعی.

مقدمه

در سالهای اخیر به دلیل فعالیت‌تر شدن دانشجویان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و نیز به دلیل برخی زیاده‌رویها و وقوع حوادثی نظیر هجدهم تیرماه ۷۸ و حادثه‌ی خرم‌آباد؛ مسئله‌ی دانشجویان و نقش آنها در جامعه، موضوع روز بسیاری از گزارشات، تحلیلها و مقالات گردیده است. گذشته از گزارشات و تحلیلهای مغرضانه‌ی خارجی درباره‌ی حرکت‌های دانشجویی، افراد و گروه‌های داخلی نیز با توجه به خاستگاه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علمی خود سخنی در این باب مطرح کردند. در میانه‌ی بحثها و اظهار نظرها، درگیریهای لفظی بین برخی گروهها و دستجات در گرفت. گروهی متهم شد به اینکه قصد استفاده‌ی ابزاری از دانشجویان را برای چانه زنی در بدست گرفتن قدرت بیشتر دارد. گروه دیگر متهم شد به اینکه قصد دارد دانشجویان را به پیاده نظامی علیه حاکمیت تبدیل کند. کسان دیگری متهم شدند به اینکه اساس دانشگاه را توطئه‌ی غرب می‌دانند و به دانشجو به چشم یک عنصر تربیت یافته‌ی غرب نگاه می‌کنند. اظهار نظرها و بحثهای دلسوزانه و راهگشا در میان این غوغاها گم شد و حاصل؛ خسارتی است که دانشجو و دانشگاه می‌بینند و ضرری که در نهایت عاید جامعه‌ی اسلامی‌مان خواهد شد.

چنانکه مقام معظم رهبری فرمودند؛ دانشجو فرزند این کشور است^۱. و امروز که سر و صدای بحثهای جناحی و گروهی تقریباً فروکش کرده، ضروری است دلسوزان و عاقلان درباره‌ی این قشر و نقش مؤثر آن در جامعه، بحثهای خود را فارغ از گرایش‌های سیاسی و جناحی مطرح نمایند تا جامعه بتواند از ثمرات وجود این قشر بیشتر بهره‌مند گردد. از این رو در این نوشته قصد داریم با مروری بر اندیشه‌های حضرت امام درباره‌ی دانشجویان و نقش اجتماعی آنها؛ راهنمایی پیش روی دلسوزان و علاقه‌مندان به این قشر قرار دهیم تا با توجه به نوع اندیشه و



عمل امام درباره‌ی دانشجویان، بتوانند بحثهای روشنگرانه و عمیقی داشته باشند. ان شاءالله.

درباره‌ی نقش اجتماعی و سیاسی دانشجویان تا کنون نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. در اینجا قبل از بررسی نظرات امام خمینی (ره) در باره‌ی نقش اجتماعی و سیاسی دانشجویان به برخی از این نظریه‌ها به طور اجمالی می‌پردازیم. یک نظریه بر آن است که دانشجویان، عامل «رهایبی بخش انقلابی» در جامعه‌ی جدید هستند. بر اساس این دیدگاه پویایی و منازعات اصلی در جامعه‌ی جدید، حول تعارض میان صاحبان صنعت (بورژواها) و کارگران صنعتی دور می‌زند. همان طور که پیش از قرن بیستم بورژواها یک طبقه‌ی رهایبی بخش انقلابی در انتقال جامعه‌ی فنودالی به سوی جامعه‌ی صنعتی (سرمایه‌داری) بودند، هم اکنون این طبقه‌ی کارگر رهایبی بخش است که می‌کوشد جامعه‌ی مبتنی بر استثمار صنعتی (سرمایه‌داری) را به جامعه‌ی برابر سوسیالیستی تبدیل کند. در این دیدگاه نقش رهایبی بخش دانشجویان به دو گونه «تفسیر انقلابی» می‌شود. اول گفته می‌شود؛ با این که طبقه‌ی کارگر صنعتی نیرویی رهایبی بخش است، اما این نیرو در جنبه‌ی فریب ایدئولوژی طبقه‌ی بورژوا گرفتار است و این دانشجویان هستند که به آگاهی انقلابی و رهایبی بخش مسلح هستند و سبکبال و چالاک در برابر فریب دوران؛ کارگران را هدایت کرده و پیش می‌برند. در تفسیر دوم؛ سخن این است که جامعه‌ی سرمایه‌داری و صنعتی چنان سیطره‌ی بوروکراتیک و تکنوکراتیک خود را بر سراسر جامعه، از جمله طبقه‌ی کارگر مسلط و تثبیت کرده که طبقه‌ی کارگر، از نقش رهایبی بخش خود بازمانده است. لذا در زیر سلطه‌ی بوروکراتیک جامعه‌ی سرمایه‌داری، تنها اقبشار حاشیه‌ای جامعه از جمله قشر دانشجو (که مستقیماً زیر سلطه قرار ندارند)، می‌توانند نقش رهایبی بخش خود را در انتقال تعارضات جامعه‌ی سرمایه‌داری ایفا کنند. بنابراین در هر دو تفسیر، دانشجویان،

نیروی رهایی‌بخش و انقلابی تلقی می‌شوند که قصد دارند جامعه‌ی نابرابر سرمایه‌داری را به سوی جامعه‌ی برابر سوسیالیستی حرکت دهند.^۱

برخلاف نظریه‌ی اول، یورگن هابرماس، دانشجویان را یک «عامل انقلابی» همچون طبقه‌ی کارگر صنعتی در نظر نمی‌گیرد. از نظر او حرکت جمعی و فراگیر دانشجویان یک «عرصه‌ی نمادین» را در جامعه به وجود می‌آورد که از طریق آن «عرصه‌ی عمومی» که زیر فشار هژمونی دستگاه‌های تبلیغی، سیاسی و اقتصادی رسمی قرار دارد، تا حدی فراخ می‌شود. از نظر او اگر «عرصه‌ی عمومی نقد» از اقتدار سیاسی و اقتصادی دولت و گروه‌های قدرتمند آزاد نباشد، حتی دموکراسی‌های پارلمانی می‌توانند آفت‌زا شوند و نابرابری ساختاری را تشدید کنند، لذا دانشجویان با تکرار حرکت‌های جمعی، نشست‌های عمومی و بیانیه‌های خود به آزادسازی فضای عرصه‌ی عمومی به نفع کل جامعه کمک می‌کنند و صاحبان قدرت رسمی اعم از سیاسی، اقتصادی و تبلیغی، مجبور می‌شوند حساب کار خود را کرده و دست و پای خود را در برابر افکار عمومی جمع کنند. از این رو در دیدگاه وی دانشجوی یک نیروی رهایی‌بخش انقلابی نیست، بلکه نیروی «نمادین» است که رهایی‌بخشی را از طریق اثر گذاری بر عرصه‌ی عمومی نقد و افکار عمومی در جامعه دنبال می‌کند.^۲

نظریه‌ی سوم وجود دارد که معتقد است دانشجویان در جامعه، عامل و مولد «فرهنگ جدید سیاسی» هستند. از این منظر آدمیان و شهروندان پیش از آنچه در زندگی روزانه از عقل حسابگر خود فرمان بگیرند از «فرهنگ» جامعه فرمان می‌گیرند، یعنی از همان الگوهایی که در جامعه «جا افتاده» و مردم بدون اینکه در صحت و سقم آنها واریسی کنند از آنها پیروی می‌کنند. از این زاویه بخش اعظم سیاست در جامعه از طریق الگوهای فرهنگ سیاسی جامعه شکل می‌گیرد. معمولاً فرهنگ و خصوصاً فرهنگ سیاسی به مرور زمان تحت سیطره و هژمونی سیاسی

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر رجوع کنید به: حمیدرضا جلابی‌پور. «جامعه‌شناسی جنبش دانشجویی»، روزنامه دوران امروز، ۷۹/۹/۲۰، ص ۸.

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: رابر هولاب، یورگن هابرماس، نقد و حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، نشرنی.

- تبلیغی دستگاه‌های رسمی و حاکم بر جامعه شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی دانشجویان با حرکت‌هایی جمعی و تکرار شعارهای خود، به تدریج فرهنگ سیاسی جدیدی را در برابر فرهنگ سیاسی رسمی موجود در جامعه ایجاد می‌کنند. به بیان دیگر دانشجویان نقش روشنفکران توزیع کننده را بازی می‌کنند، به این معنا که از میان اندیشه‌های روشنفکران در خصوص مفاهیم و نظریات گوناگون، تعدادی از آنها را که مرتبط با نیاز زمانه تشخیص می‌دهند، انتخاب کرده و به طور مرتب به عنوان مطالبات خود در حرکت‌های دانشجویی تکرار می‌کنند و همین تکرار مفاهیم به تدریج جای خود را برای ظهور یک فرهنگ و رفتار سیاسی جدید در جامعه باز می‌کند.^۱

امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۰ به بعد که به صورت گسترده وارد مبارزه علیه حاکمیت طاغوت گردید، همواره دانشجویان را به عنوان یک قشر مؤثر در نظر داشته است و علیرغم وضعیت فرهنگی، اجتماعی و فکری آن دوران که فاصله‌ی زیادی بین حوزه و دانشگاه و مردم وجود داشت و دانشگاه پدیده‌ی تقریباً ناشناخته‌ای بود و رسانه‌های گروهی به دلیل عدم پیشرفت و گستردگی و توسعه، نتوانسته بودند مردم را با دانشگاه آشنا کنند، ایشان با دانشجو سخن گفته و آنها را دعوت به دخالت در روند تحول نموده است و اتفاقاً نقش اساسی در تحول را به دانشجویان واگذر می‌کنند.

در آن زمان حوزه از نظر دانشگاه متهم به تحجر و دانشگاه از طرف حوزه متهم به بی‌دینی بود، اما امام در چنین شرایطی از قشر دانشجو غافل نبود و به خوبی از نیرو و توان این قشر در ایجاد تحول، آگاهی داشت. ایشان در سال ۱۳۴۳ فرمودند: «بر اساتید دانشگاه است که جوانان را از آنچه زیر پرده است مطلع کنند.»^۲

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر رجوع کنید به: پرویز پیران، «دیدگاه‌های نظری جنبش‌های شهری»، ماهنامه آفتاب، شماره چهارم و پنجم.

۲. صحیفه‌ی نور، جلد ۱، ص ۱۳۱، پاسخ امام به اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا (۱۳۴۶).

در سال ۱۳۴۶ نیز فرمودند: «بر شما جوانان روشنفکر است که از پا ننشینید تا خواب رفته‌ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید و با فاش کردن خیانت‌ها و جنایت‌های استعمارگران و پیروان بی‌فرهنگ آنها، غفلت زده‌ها را آگاه نمایید و «^۱. امام خمینی همچنین از ایجاد اختلاف بین حوزه و دانشگاه توسط دشمن کاملاً آگاه بود و لذا به دانشجویان گوشزد می‌کردند که متوجه این توطئه باشند و همین تذکرات امام بود که باعث شد در سال ۵۷؛ روحانی و دانشجو در کنار هم در پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسیار مؤثری ایفا نمودند و از این رو حضرت امام خود را در شکستن توطئه‌های دشمن در ایجاد اختلاف بین دو قشر دانشجو و روحانی موفق دید و فرمود: «حال فهمیدید که اگر چنانچه آخوند و دانشگاهی و دیگر قشرها با هم باشند، یک همچو کاری بزرگی می‌کنند»^۲.

دانشجو و سیاست

نقش سیاسی دانشجو در کلام امام به دو بخش قبل و بعد از انقلاب تقسیم می‌شود. امام خمینی در قبل از انقلاب اسلامی نقش دانشجویان را در تحولات سیاسی، اساسی‌ترین نقشها می‌داند. مبارزه علیه نظام حاکم و تلاش برای پیشبرد نهضت و تحول و کمک به مردم در ایجاد تحول، از جمله نقش‌هایی است که امام برای دانشجویان قائل بود. ایشان همچنین نقش سیاسی دانشجو را در مصادیقی همچون افشای نقشه‌های استعمار و دشمنان که در خارج از کشور از رژیم سلطه حمایت می‌کردند و با ایجاد تحول، ضدیت و مخالفت می‌کردند، مهم می‌دانستند و می‌فرمودند:

«دانشجویان با استبداد مخالفند، با حکومت‌های دست‌نشانده و استعماری مخالفند، با قلدری و غارت اموال عمومی مخالفند، با حرام خواری و دروغ‌پردازی مخالفند»^۳. ایشان همچنین در مخالفت با طرح کاپیتولاسیون، خطاب به

۱. همان، جلد ۱، ص ۱۳۱، پاسخ امام به اتحادیه‌های انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا (۱۳۴۶).

۲. همان، جلد ۱۲، ص ۲۳۱.

۳. امام خمینی، ولایت فقیه و حکومت اسلامی، ص ۱۱۸.

دانشجویان فرمودند: «بر جوانان دانشگاهی است که با طراوت با این طرح مفتضح مخالفت کنند، با آرامش و با شعارهای حساس، مخالفت دانشگاه را به ملت‌های دنیا برسانند»^۱.

حضرت امام پس از انقلاب اسلامی همواره از دانشجویان می‌خواست در صحنه‌های سیاسی از جمله انتخابات و دیگر فعالیتهای سیاسی به عنوان یک قشر تأثیر گذار حضور فعال داشته باشند. ایشان در سخنانی از اینکه دانشجویان از سیاست کناره بگیرند، اظهار ناراحتی نموده و فرمودند: «در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته‌اند و گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می‌گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت کنند، این منافی با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده اند، حالا عکسش را دارند می‌گویند، این هم روی همین زمینه است. اینکه می‌گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاست هم حق مجتهدین است هر دویش غلط است. انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند، انتخابات به فرض اینکه سیاسی باشد و هست، سرنوشت همه‌ی ملت را تعیین می‌کند. یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند»^۲.

امام پس از پیروزی انقلاب، دانشجویان را مسوول نگرهبانی از انقلاب اسلامی می‌دانستند و همواره به دانشجویان سفارش می‌کردند برای اینکه بتوانند در قلب نهضت قرار داشته باشند و عامل حرکت نهضت باشند، نباید خود را از عموم مردم جدا کنند، زیرا در آن صورت مردم به دانشجویان اعتماد نمی‌کنند.

به عبارت دیگر امام پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر نقش سیاسی، بر نقش فرهنگی و اجتماعی دانشجویان نیز تأکید داشتند، زیرا ایشان تحول به معنای عام را فقط تحول سیاسی نمی‌دانستند بلکه معتقد بودند تحول سیاسی مقدمه‌ای برای تحول فرهنگی و جایگزینی ارزشهای الهی، به جای ارزشهای طاغوتی است. از این رو نقش دانشجویان را در تغییر ارزشهای حاکم در گذشته و تبدیل آنها به

۱. صحیفه‌ی نور، جلد ۱، ص ۲۴۶.

۲. همان، جلد ۱۸، ص ۲۴۶.

آرمانها و اعتقادات الهی بسیار اساسی می دانستند و می فرمودند: «اکنون ای جوانان عزیز و ای دانشجویان امروز و فرداهای امت و اسلام؛ استقلال و آزادی و به شما عزیزان سپرده شده و مسئولیت بزرگی به عهده‌ی همه گذاشته شده است. همه‌ی ملت و خصوصاً دانشجویان مسلمان که رهبران آینده هستند، مسوول نگهبانی از این امانت بزرگ الهی می‌باشند»^۱.

دانشگاه و دانشجو

امام چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی برای دانشگاه اهمیت ویژه‌ای قائل بودند و اعتقاد داشتند: «ترقی مملکت به دانشگاه است»^۲. ایشان معتقد بودند رژیم پهلوی باعث شده بود دانشگاهها پیشرفت نکنند، لذا می فرمودند: «اینها دانشگاهها را با هر قدرتی که داشتند عقب نگه می داشتند، نمی گذاشتند که اساتید ما، درست بچه‌های ما را تعلیم کنند این هم برای این بود که می دیدند اگر چنانچه دانشگاه بطور صحیح عمل کند، مستقل باشد، بعد که این جوانها که از دانشگاه بیرون بیایند ضد استعمار بیرون می آیند»^۳.

چنانچه ملاحظه می شود در اندیشه‌ی امام، دانشگاه نقشی اساسی را در دادن فکر سیاسی - اجتماعی به دانشجو دارا می باشد، از این رو می فرمودند: «نقش دانشگاهها در هر کشوری ساختن انسان است. ممکن است از دانشگاه انسان خارج بشود که یک کشور را نجات بدهد و ممکن است که یک انسان درست بشود که کشور را به هلاکت بکشاند»^۴.

از نظر حضرت امام، اساتید دانشگاه ضمن انجام وظایف استادی می توانند در تربیت دانشجویان نقش مؤثری ایفا نمایند. ایشان می فرمایند: «ما اساتید دانشگاهی را می خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوانهای ما را مستقل بار

۱. همان، جلد ۱۵، ص ۲۱۲.

۲. همان، جلد ۱، ص ۱۸.

۳. همان، جلد ۵، ص ۸۴.

۴. همان، جلد ۷، ص ۸۱.

بیاورند.^۱ ایشان همچنین خطاب به اساتید دانشگاهها می‌فرمایند: «اساتید دانشگاه اگر واقعاً علاقه‌مندند که این کشور دوباره برنگردد به اوضاع سابق، باید مواظب باشند. دانشگاهی‌ها، اساتید، مواظب خودشان باشند در تربیت و مواظب بچه‌ها و جوانها باشند در کارهایی که می‌کنند».^۲

دانشجو و اقشار دیگر

از دید امام خمینی دانشجو یک قشر آگاهی است که می‌تواند در اجتماع نقش مؤثری ایفا نماید، اما ایشان معتقد است دانشجو برای اینکه بتواند نقش خود را کامل نماید باید در کنار سایر اقشار اجتماعی از جمله روحانیون، بازاریان، نظامیان و عامه‌ی مردم باشد. از مجموع ۱۲۵ پیامی که حضرت امام درباره‌ی نقش اجتماعی و سیاسی دانشجویان بیان داشته‌اند در ۱۱۰ پیام (۸۳٪) به همراهی و همیاری دانشجو با روحانیون (حوزویان) تأکید کرده‌اند، در ۵ پیام (۳/۵٪) به همراهی دانشجویان با بازاریان اشاره کرده‌اند، در ۹ پیام (۶/۵٪) دانشجویان را به همراهی عامه‌ی مردم دعوت کرده و در یک پیام از آنان خواسته با نظامیان همراهی کنند.^۳ مرور بر اندیشه‌های حضرت امام (ره) نشان می‌دهد که امام در میان اقشار مختلف اجتماعی برای دانشجویان جایگاه ممتازی قائل است و همواره تأکید دارد که با قشر ممتاز دیگر یعنی حوزویان در ارتباط باشند تا بتوانند در تحولات، نقش محوری ایفا نمایند. امام معتقد بود توطئه‌ای در کار بوده و هست تا روحانی و دانشجو را به جان هم بیاندازند و با استفاد از اختلاف آنان به کشور آسیب برسانند. ایشان معتقد بودند که دشمنان در این نقشه تا حدودی موفق شده بودند. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «یک جایی نقشه‌شان گرفت و آن جدا کردن روحانیت از دانشگاهها بود. یک روحانی حق نداشت، پیش خودمان حق

۱. همان، جلد ۱۴، ص ۲۳۴.

۲. همان، جلد ۱۹، ص ۲۱۱.

۳. ابراهیم مراد قلی، نقش دانشجو در تحولات اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ص ۳۵.

نداشت از یک دانشگاهی صحبتی بکند. دانشگاهی هم آخوند را به نظرش می‌آمد که یک موجود مضر است که انگلیسی‌ها آوردند گذاشتند اینجا^۱.
از این رو امام به دانشجویان توصیه می‌کرد در کنار سایر اقشار اجتماعی و به ویژه روحانیون قرار گیرند زیرا ائتلاف این دو قشر را ائتلاف هه‌ی ملت^۲ می‌دانستند.

نتیجه گیری

با توجه به نظریه‌هایی که مطرح شد و با مرور اندیشه‌های حضرت امام می‌توان گفت که امام به دانشجویان به عنوان یک قشر بسیار مهم نظر داشتند و معتقد بودند که اگر دانشجویان بتوانند در دانشگاه علم و ایمان را با یکدیگر همراه سازند می‌توانند به عنوان یک قشر تحصیلکرده، محور «روشنگری» اجتماعی را بدست گیرند. به عبارت دیگر دانشجو از نظر امام، عامل «روشنگری اجتماعی» است و زمانی می‌تواند موفق باشد که بتواند آگاهی خود را در مسیر ارزشهای الهی بکار گیرد و خود را از اقشار دیگر و به ویژه روحانیون جدا نسازد. می‌توان گفت بخش مهمی از اظهارات امام درباره‌ی دانشجویان به دانشجویان کشورهای تحت سلطه‌ی استعمار برمی‌گردد و ایشان یکی از مهمترین روشنگریهای دانشجویان را آگاه ساختن مردم از نقشه‌های استعماری می‌دانند و معتقدند دانشجویان عموماً ضد استعمار هستند.

۱. صحیفه‌ی نور، جلد ۵، ۲۲.

۲. همان، جلد ۱۲، ص ۱۴۶.